نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۲، بهار ۱۴۰۳

بررسی چالش‌ها و موانع مشاغل خانگی از دیدگاه خبرگان و صاحبان مشاغل (مطالعه موردی: جوامع روستایی شهرستان‌های استان اصفهان)

دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۱۳ **پذیرش نهایی**: ۹۹/۷/۷

صفحات: ۲۶۸-۲۵۱

احمد حجاریان: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
Email: a.hajarian@ltr.ui.ac.ir
احمد تقدیسی: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.[1]
Email: a.taghdisi@geo.ui.ac.ir
حمید برقی: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
Email: h.barghi@geo.ui.ac.ir

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی موانع و چالش‌های مشاغل خانگی از دیدگاه کارشناسان و صاحبان مشاغل خانگی با استفاده از روش دلفی و تحلیل عاملی تأییدی می‌باشد. تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی- تحلیلی می‌باشد و رویکردی کیفی کمی دارد. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه است. گروه اول شامل کارشناسان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و گروه دوم صاحبان مشاغل خانگی بودند. حجم نمونه برای گروه اول با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای ۲۸ نفر انتخاب شدند و گروه دوم بر اساس آمار حاصل حدود ۱۰۰۰ نفر در نواحی روستایی استان اصفهان می‌باشد که بر اساس فرمول کوکران ۲۷۶ نفر تعیین شد. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام گردید. به‌منظور شناسایی چالش‌های موجود مشاغل خانگی جوامع روستایی استان اصفهان از فن دلفی استفاده شد. نتایج در بخش کیفی تحقیق بیانگر آن بود که مهم‌ترین چالش‌های موجود فراروی مشاغل خانگی عوامل ساختاری و مدیریتی، سیاست‌گذاری، عوامل مالی و اقتصادی، فردی- شخصیتی، پژوهش و اطلاع‌رسانی می‌باشد. در بخش کمی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در قالب ۵ عامل وجود دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: عوامل مالی و اقتصادی، عوامل مدیریت و ساختاری، ضعف قوانین و سیاست‌گذاری جامع، پژوهش و اطلاع‌رسانی و عوامل فردی و شخصیتی که ۷۸/۷۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نماید.

کلید واژگان: مشاغل خانگی، چالش‌ها و موانع، نواحی روستایی، استان اصفهان.

---

۱. **نویسنده مسئول:** گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]

[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

مقدمه

امروزه بیکاری بیش‌ازپیش به‌منزله چشمگیرترین نشانه توسعه ناکافی در کشورهای جهان سوم نمایان می‌شود. در بسیاری از کشورها بیکاری آشکار در مناطق روستایی دامن‌گیر درصد بالایی از افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله است و حتی بخش‌های وسیع‌تری از نیروی کار چه در شهرها و چه در روستاها دچار کم‌کاری (اشتغال ناقص) هستند، به این معنا که منابع و فرصت‌های لازم برای افزایش درآمدهایشان را ندارند و نمی‌توانند آن را به سطوحی که قابل‌مقایسه با درآمد افراد دارای مشاغل شهری در بخش مدرن است برسانند (تقی بیگی، ۱۳۹۳: ۲۸۳). در هر کشوری نرخ اشتغال و بیکاری از جمله مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. اشتغال از دیدگاه کلان اقتصادی جنبه‌های مختلفی همچون درآمدزایی، تولید، کارآفرینی، توسعه دانش و فناوری را در برمی‌گیرد و از دیدگاه اجتماعی نیز به انسان منزلت، جایگاه و موقعیت اجتماعی و حفظ اعتمادبه‌نفس می‌دهد (ور کیانی پور،۱۳۹۷: ۱۴۰). اشتغال در قرن حاضر یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل در تمام کشورها است. نظر به معضل اشتغال در جهان، امروزه کشورها از روش‌های گوناگونی برای توسعه اشتغال استفاده می‌کنند. راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای کوچک یکی از همین روش‌هاست که در سال‌های گذشته موردتوجه کشورهای گوناگون قرارگرفته است. کارفرما در محل زندگی خود با استفاده از امکانات موجود و قابل‌دسترس، اقدام به ایجاد کسب‌وکار نموده و برای خود و بعضاً سایرین اشتغال ایجاد می‌نماید (آلتنبرگ و مایر، استامر،۱۹۹۹: ۱۶۹۳). کسب‌وکارهای خانگی به علت مزایای منحصربه‌فرد آن‌ها در راستای کاهش بیکاری بسیار تأثیرگذار بوده و کشورهایی که در راستای تقویت این مشاغل به‌کاربرده‌اند به نتایج چشمگیر مثبتی رسیده‌اند. راه‌اندازی کسب‌وکار با کمترین سرمایه اولیه، امکان کار به‌صورت پاره‌وقت، وجود دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت، عدم نیاز به فضای قابل‌توجه و غیره قابلیت‌های غیرقابل‌انکاری است که کسب‌وکارهای خانگی و خانوادگی داشته و الزام توجه جدی به این فرصت را آشکار می‌کند (حسین پور،۱۳۹۴: ۱۵). با توجه به اینکه جمعیت جامعه روستایی حدود ۳۵ درصد است (سالنامه آماری،۱۳۹۵)، مشاغل خانگی می‌تواند یکی از راه‌حل‌های مناسب برای رهایی از بسیاری مشکلات باشد چراکه مشاغل خانگی هزینه بالایی را برای خانواده‌ها تحمیل نمی‌کند و می‌تواند راهکار مهم برای ایجاد اشتغال روستاییان به شمار آید (تقی بیگی،۱۳۹۳: ۲۸۵). در اهمیت مشاغل خانگی در نواحی روستایی همین بس که این مشاغل به‌منزله راه‌حلی متناسب با شرایط زندگی و فردی اجتماعی روستاییان می‌تواند باعث ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان شود، به‌طوری‌که اکثر صاحبان کسب‌وکارهای خانگی بر این باورند که کار کردن در خانه، کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود می‌بخشد (غلامی،۱۳۹۱: ۵). همچنین متخصصان آن را مهم‌ترین راهکار توسعه روستایی در کشور حساب می‌کنند (ایزدی،۱۳۹۳: ۳۸) از جهتی یکی از چالش‌های بنیادین عصر حاضر، وضعیت نامناسب مشاغل است. نظر به مطالعات بانک جهانی می‌توان بیان کرد یکی از علل مهم بیکاری‌های طولانی‌مدت در کشورهای درحال‌توسعه، موانع موجود بر سر راه کسب‌وکار است. این موانع موجب سرازیری نقدینگی به بخش واسطه‌گری شده که نتیجه آن کاهش میزان تولید و افزایش تورم است. آنچه بارز است ارزیابی موانع به‌منظور اصلاح مشکلات از نخستین الزامات و قدمی سازنده در راستای بهبود تولید و افزایش تعداد فرصت‌های شغلی و ساده‌سازی جریان ورود سرمایه در این

بخش است. لذا پیش از هر قدمی در راستای تعین خط‌مشی و سیاست‌گذاری بررسی این موانع ضروری خواهد بود (ایمنی، ۱۳۸۷: ۲۵). بر مبنای مرور اجمالی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مشاغل خانگی و به‌طور خاص کسب‌وکارهای روستایی، می‌توان دریافت که توسعه این مشاغل در گروه فراهم‌سازی مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌ها و رفع مجموعه‌ای از موانع و بازدارنده‌هاست. از سویی با توجه به همبستگی عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با توسعه این‌گونه مشاغل، به‌ویژه در مناطق روستایی، ارائه تصویر دقیقی از راهکارهای توسعه بر مبنای پژوهش‌های موجود امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب در این پژوهش با درک اهمیت و ضرورت شناسایی راهکارهای توسعه مشاغل خانگی در نواحی روستایی به‌منزله اولین عامل زمینه‌ای برای توسعه طرح‌های اشتغال‌زا در مناطق روستایی و با در نظر گرفتن دیدگاهی جامع، به شناسایی مهم‌ترین راهکارهای توسعه‌ای در مشاغل خانگی پرداخته‌شده است تا براساس آن با کسب درک صحیحی از این شاخص‌ها و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها در فرآیند راه‌اندازی و توسعه مشاغل خانگی بتوان پیشنهادهایی راهگشا برای تصمیم‌گیری به‌منظور تسهیل فرآیند ارائه کرد.

چارچوب نظری تحقیق (مدل نظری تحقیق)

ملک محمد معتقد است که منظور از مدل نظری گردآوری، آرایش و سازمان‌دهی دیدگاه‌ها و نظراتی است که پیرامون موضوع تحقیق ارائه‌شده است و آرمان پژوهش را به موجه‌ترین وجه تبیین و تأمین می‌نماید. برای تبیین مدل نظری تحقیق حاضر ابتدا جنبه‌های مسئله تحقیق و روابط میان آن‌ها مشخص گردیده و سپس به طراحی مدل نظری متناسب با خصوصیات مسئله تحقیق و مطالعات انجام‌شده در مبانی نظری اقدام گردید. اقدامات انجام‌شده در این مرحله در جدول (۱) قیدشده است.

جدول (۱). چارچوب نظری تحقیق (دیدگاه‌ها، نظریه‌ها، منابع و پیش‌فرض‌ها)

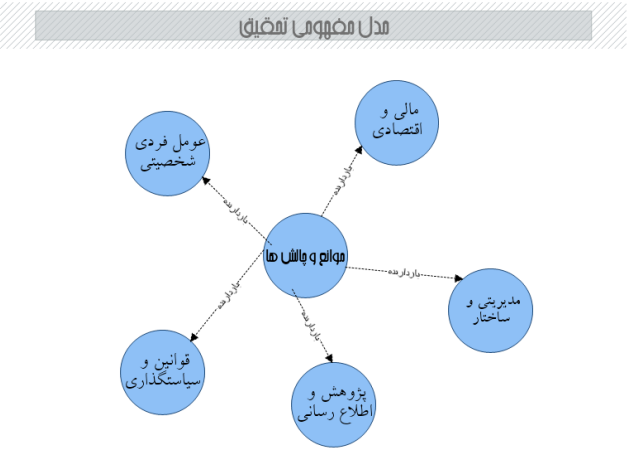
دیدگاه‌ها و نظریه‌های	منبع	متغیرهای استخراج‌شده (اجزا مدل)
مالی و اقتصادی	ادواری (۱۳۸۹)	متغیرهای اقتصادی (عدم حضور بخش غیردولتی نیرومند و دروی از بازار و بالا بودن سود تسهیلات بانکی)
قوانین و سیاست‌گذاری	رود گر نژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹)، شریف‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، سعدی و حیدری (۱۳۹۲)	موانع سیاست‌گذاری (مخالفت اعضای خانواده و عدم همکاری در راه‌اندازی کسب‌وکار، نبود سیاست‌های تشویقی و حمایتی در خصوص تولیدات خانگی، نبود حمایت در بازاریابی)
فردی-شخصیتی	یاری قلعه (۱۳۹۳)	ابعاد (فردی، خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی، اداری و مالی، محیطی)
مدیریتی	دادور راد (۱۳۷۹)، هفده تن (۱۳۸۹)، سعدی و حیدری (۱۳۹۲)	متغیرهای (مدیریتی، درامد خانواده، طبقه اجتماعی، سواد و انزوای جغرافیایی)
مالی و اقتصادی	مامبولا (۲۰۰۲)، فراهانی (۱۳۹۹)	کمبود سرمایه و مشکلات در تأمین مالی، زیرساخت‌های ضعیف، مشکلات در سخت‌افزار تکنولوژی و تأمین قطعات یدکی آن و مشکلات در تهیه مواد خام، نبود اعتبارات مالی، نداشتن پس‌انداز نقدی، نداشتن پس‌انداز غیر نقدی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

مالی و اقتصادی	کرمی (۱۳۹۲)	ناکارایی نظام بانکی، نهادهای دولتی ناکارآمد، فضای کسب‌وکار بازدارنده
پژوهش و اطلاع‌رسانی	غیاثوند (۱۳۸۸)	موانع اطلاع‌رسانی، موانع فنی، مالی، ساختار بازاریابی و فروش، موانع مدیریتی و قانونی
مدیریتی	هابرشون و همکاران (۲۰۰۶)	از بین رفتن مرز بین کاره‌ای خانه و شغل، نبودن سرمایه لازم و کافی و نبودن آموزش‌های لازم و کافی

الگوی مفهومی روند تحقیق

پس از بررسی مطالعات صورت گرفته در زمینه مسئله تحقیق و همچنین بررسی نظریه‌های مرتبط با آن و جمع‌بندی نظرات نویسندگان و محققان محقق بهترین نوع متغیرهای تأثیرگذار را جهت موانع مشاغل خانگی انتخاب شدند. در این راستا محقق شالوده ارتباطی بین متغیرهای پژوهش را طراحی نموده است. شکل (۱) نشان‌دهنده الگوی مفهومی روند تحقیق حاضر است.



شکل (۱). چارچوب مفهومی پژوهش

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی- تحلیلی است. محققان بسیاری رویکردهای مکمل یا تلفیق رویکردهای کمی و کیفی را در روش‌های تحقیق پیشنهاد می‌کنند. این تحقیق شامل دو فاز کیفی و کمی می‌باشد.

در فاز کیفی جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و گروه دوم صاحبان مشاغل خانگی بودند. بر اساس مطالعات مختلف، اگر تعداد نمونه‌های آماری در تکنیک دلفی بیشتر از ۱۵ نفر باشند پایایی پرسشنامه بالاتر از ۰/۸ خواهد بود (روبر،۲۰۰۴: ۳۲۰) در این مطالعه از نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای استفاده شد. در این مرحله از کارشناسان سؤال شد که چه کسی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

بیشتر به موضوع موردمطالعه تسلط و آگاهی دارد. با پرسش از تعدادی از کارشناسان گلوله برفی بزرگ و بزرگ‌تر شد. در مرحله اول فن دلفی پرسشنامه‌ای حاوی یک سؤال باز در رابطه با شناسایی و تعیین موانع پیش روی مشاغل خانگی در اختیار کارشناسان و متخصصان (۳۰ نفر) قرار گرفت. در نهایت ۲۸ نفر از کارشناسان مشاغل خانگی از شهرستان‌های اصفهان (۷ نفر) کاشان (۳ نفر) نائین (۳ نفر) آران و بیدگل (۲ نفر) فریدن (۲ نفر) گلپایگان (۱ نفر) خوانسار (۲ نفر) سمیرم (۱ نفر) شهرضا (۲ نفر) نجف‌آباد (۲ نفر) خمینی‌شهر (۱ نفر) فلاورجان (۱۰ نفر) بودند پاسخ دادند. متأسفانه کنترل روایی و پایایی دلفی آسان نیست چنان‌که دلفی به دلیل نداشتن شواهدی از پایایی شدیداً موردانتقاد قرارگرفته است. به عبارتی اگر اطلاعات یا سؤالات مشابه داده شود، دستیابی به نتایج یکسان حتمی نیست هرچند که کاربران دلفی، صحت تکنیکی را تأیید نموده‌اند. در فاز کیفی با استفاده از رویکرد دلفی به مطالعه و استخراج چالش‌های عمده بر سر راه مشاغل خانگی پرداخته شد. روش دلفی برای برقراری یک تعامل صحیح بین نظرات واقعی افراد، طراحی شده است. فن دلفی یک فرآیند گروهی است که هدف آن رسیدن به اجماع براساس پاسخ‌های متخصصان بروی یک موضوع یا مشکل خاص است (ریفورد،۲۰۱۰: ۱۴۵) در واقع پرسشنامه وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و اثرگذاری کارشناسان بر یکدگر است. روش دلفی در عمل، مجموعه‌ای از پرسشنامه‌ها یا دوره‌های متوالی به همراه بازخورد واپایش است که تلاش دارد به‌اتفاق نظر میان گروه از افراد خبره درباره یک موضوع خاص دست یابد. بعد از نتایج به‌دست‌آمده در فاز کیفی مقوله‌های به‌دست‌آمده در قالب پرسشنامه‌ای توسط متخصصان تهیه و در قالب طیف لیکرت پنج سطحی (کم= ۱ تا خیلی زیاد = ۵) آماده و وارد فاز کمی گردید.

در فاز کمی تحقیق جامعه آماری شامل صاحبان مشاغل خانگی روستایی که بر اساس آمار حاصل از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حدود ۱۰۰۰ نفر در نواحی روستایی استان اصفهان می‌باشد که بر اساس فرمول کوکران ۲۷۶ نفر تعیین شد. در فاز کمی تحقیق از روش تحلیل عاملی استفاده گردید تا با سعی در شناسایی متغیرهای اساسی یا عامل‌ها به‌منظور تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای مشاهده‌شده به دست آید. این روش نقش مهمی در شناسایی متغیرهای پنهان یا همان عامل‌ها از طریق متغیرهای مشاهده‌شده دارد. برای محاسبه پایایی فاز کمی از آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۱) آورده شده است

جدول (۱). آلفای کرونباخ پرسشنامه

گویه‌ها	میزان آلفا
مدیریتی و ساختاری	۰/۸۸
سیاست‌گذاری	۰/۸۷
عوامل فردی- شخصیتی	۰/۸۱
پژوهش و اطلاع‌رسانی	۰/۷۹
مالی و اقتصادی	۰/۸۳

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

نتایج

آمار توصیفی فاز کیفی

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود ۴۶/۴ درصد کارشناسی، ۳۲/۱ درصد کارشناسی ارشد و ۲۱/۱ درصد دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. بیشترین فراوانی مربوط به سطح کارشناسی بود. میانگین سن پاسخگویان تقریباً ۴۳/۵ (انحراف معیار ۷/۵۴) سال بود که جوان‌ترین آن‌ها ۳۲ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۵۸ سال سن داشت. ۸۵ درصد از آنان مرد و ۱۵ درصد زن بودند. میانگین سابقه خدمت پاسخگویان ۱۷/۹۲ سال بود که حاکی از داشتن سابقه و تجربه لازم جهت اظهارنظر در زمینه موردمطالعه بوده است. رشته تحصیلی ۲۵ درصد از پاسخگویان توسعه روستایی، ۱۷/۹ درصد مدیریت، ۲۸/۶ درصد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی ۷/۱ درصد کارآفرینی بود.

جدول (۲). درصد و فراوانی متغیرهای توصیفی

تحصیلات			رشته تحصیلی			جنسیت		
	درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی
کارشناسی	۴۶,۴	۱۳	برنامه‌ریزی روستایی	۲۵	۷	مرد	۷۲	۱۸
کارشناسی ارشد	۳۲,۱	۹	توسعه روستایی	۲۸/۶	۸	زن	۲۸	۱۰
دکتری تخصصی	۲۱/۱	۶	اقتصاد	۲۱/۴	۶	سن		سابقه
کل	۱۰۰	۲۸	مدیریت	۱۷/۹	۵	حداقل	۳۲	۹
آمار توصیفی			کارآفرینی	۷/۱	۲	حداکثر	۵۸	۲۸

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

جهت تعیین موانع موجود در مشاغل خانگی در نواحی روستایی شهرستان‌های استان اصفهان از فن دلفی در طی ۳ مرحله بهره گرفته شد. در مرحله اول پرسشنامه حاوی یک سؤال باز در رابطه با تعیین موانع فراروی مشاغل خانگی در اختیار کارشناسان و متخصصان در امور مشاغل خانگی قرار گرفت. پس از دریافت پاسخ و بررسی دیدگاه‌های متخصصان پرسشنامه‌ای بسته، در اختیار متخصصان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد با استفاده از طیف لیکرت به رتبه‌بندی موانع موجود استخراج‌شده بپردازند. در مرحله سوم متخصصان موافقت یا مخالفت خود را با هرکدام از موانع بیان نمودند تا در نهایت در مورد موانع به‌دست‌آمده به اجماع رسید

مرحله اول فن دلفی

در مرحله اول با استفاده از یک سؤال باز از کارشناسان و متخصصان خواسته شد که موانع و چالش‌های مشاغل خانگی را بیان نماید. نتایج این مرحله از فن دلفی در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳). موانع مشاغل خانگی از دیدگاه کارشناسان (n=۲۸)، مرحله اول

موانع مشاغل خانگی	فراوانی
درآمد پایین صاحبان مشاغل خانگی و نداشتن ثبات و پایداری	۲۴
عدم تضمین فروش کالا	۲۴
میزان تولیدات خانگی محدود	۲۲
عدم توان رقابت محصولات خانگی با صنایع بزرگ	۲۱
عدم دسترسی روستای محل فعالیت به بازار های شهری	۲۱
کمبود نیروی ماهر و مجرب و متخصص صاحبان مشاغل خانگی	۲۰
نبود منابع مالی	۱۹
بی‌توجهی به ارزش‌گذاری اقتصادی مشاغل خانگی	۱۹
عدم مشارکت اهالی محلی جهت توسعه و ارتقا مشاغل خانگی	۱۹
عدم انسجام برون‌سازمانی	۱۹
فقر ساکنان و وابستگی معیشت مردم به کشاورزی	۱۸
کمبود آمار و اطلاعات دقیق در رابطه با تعداد و نوع و شاغلین در بخش مشاغل خانگی	۱۸
تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امور مشاغل خانگی	۱۸
عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب در زمینه آموزش اهالی در جهت مشاغل خانگی	۱۸
سیاست موجود در قبال بخش خصوصی	۱۴
تغییرات متعدد در نظام مدیریتی مشاغل خانگی	۱۲
قوانین مالیات در قبال مشاغل خانگی	۱۲
نبود تعاونی‌های قدرتمند جهت عرضه کالاهای تولیدشده جهت فروش	۱۱
نداشتن انگیزه کافی	۱۰
نداشتن خلاقیت و نوآوری اهالی روستا در تولیدات محصولات	۱۰
عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت ارتقا سطح کارآفرینی و نوآوری و خلاقیت	۱۰
درخواست ضامن برای ارائه تسهیلات و اعتبارات از سمت بانک‌ها و موسسه‌های عامل	۹
ناکافی بودن تسهیلات پرداختی جهت ایجاد و توسعه مشاغل خانگی	۹
بسته‌بندی نامناسب	۸
کمبود اعتبارات و عدم تخصیص به‌موقع	۷
عدم امنیت شغلی	۷
بهره‌وری پایین واحدهای فعال در زمینه مشاغل خانگی	۷
تنوع کم محصولات	۷
مدیریت سنتی در واحدهای تولید مشاغل خانگی	۶
قرارگرفتن مشاغل خانگی به‌عنوان شغل دوم و در حاشیه قرار گرفتن آن	۶
عدم توجه مسئولین امر در خصوص ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای صادرات محصولات تولیدشده	۶
بی‌ثباتی اقتصادی	۶

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

پرداخت تسهیلات مشاغل خانگی به افراد فاقد شرایط	۶
فقدان استاندارد مکان فعالیت واحدهای مشاغل خانگی	۶
عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در جهت ارتقا مشاغل خانگی	۶
مشکل در زمینه عدم پوشش بیمه‌ای	۶
بهره بالای وام‌ها	۶
قوانین بانکی دست‌وپاگیر در جهت پرداخت وام	۶
نداشتن خودباوری و اعتمادبه‌نفس	۵
نداشتن روحیه ریسک‌پذیری	۵
قوانین نادرست در خصوص واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند	۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

مرحله دوم فن دلفی

پس از جمع‌آوری پرسشنامه مرحله اول، پاسخ‌ها دسته‌بندی‌شده و مبنای تنظیم پرسشنامه مرحله دوم قرار گرفت. در این مرحله میزان موافقت کارشناسان با چالش‌های ارائه شده از لحاظ اهمیت از طریق طیف لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) بررسی شد که نتایج حاصله در جدول (۴) آمده است.

جدول (۴). میزان اهمیت چالش‌ها و موانع مشاغل خانگی از دیدگاه کارشناسان (n=۲۸) مرحله دوم

موانع مشاغل خانگی	میانگین از (۵)	انحراف معیار
درآمد پایین صاحبان مشاغل خانگی و نداشتن ثبات و پایداری	۴/۹۲	۰/۲۶۳
عدم تضمین فروش کالا	۴/۹۲	۰/۲۶۲
عدم دسترسی روستای محل فعالیت به بازار های شهری	۴/۹۲	۰/۲۶۲
کمبود نیروی ماهر و مجرب و متخصص صاحبان مشاغل	۴/۹۲	۰/۲۶۲
سیاست موجود در قبال بخش خصوصی	۴/۸۶	۰/۴۱۶
تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امور مشاغل خانگی	۴/۸۵	۰/۳۵۶
تغییرات متعدد در نظام مدیریتی مشاغل خانگی	۴/۸۲	۰/۴۷۵
بی‌توجهی به ارزش‌گذاری اقتصادی مشاغل خانگی	۴/۸۲	۰/۳۹۰
عدم مشارکت اهالی محلی جهت توسعه و ارتقا مشاغل خانگی	۴/۷۵	۰/۴۴۰
عدم انسجام برون‌سازمانی	۴/۷۱	۰/۴۶۰
فقر ساکنان و وابستگی معیشت مردم به کشاورزی	۴/۶۰	۰/۶۲۸
کمبود آمار و اطلاعات دقیق در رابطه با تعداد و نوع و شاغلین در بخش مشاغل خانگی	۴/۶۰	۰/۵۶۶
عدم توان رقابت محصولات خانگی با صنایع بزرگ	۴/۵	۰/۶۳۸
عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب در زمینه آموزش اهالی در جهت مشاغل خانگی	۴/۳۲	۰/۷۷۲
میزان تولیدات خانگی محدود	۴/۲۸	۰/۸۹۶
نبود منابع مالی	۴/۲۵	۰/۷۵۱

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

قوانین مالیات در قبال مشاغل خانگی	۴/۲۵	۰/۷۵۱
نبود تعاونی های قدرتمند جهت عرضه کالاهای تولیدشده جهت فروش	۴/۲۱	۰/۶۸۶
نداشتن انگیزه کافی	۴/۱۷	۰/۶۶۹
نداشتن خلاقیت و نوآوری اهالی روستا در تولیدات محصولات	۴/۱۷	۰/۷۷۲
عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت ارتقا سطح کارآفرینی و نوآوری و خلاقیت	۴/۱۷	۰/۷۲۲
درخواست ضامن برای ارائه تسهیلات و اعتبارات از سمت بانک‌ها و موسسه‌های عامل	۴/۱۴	۰/۸۰۳
ناکافی بودن تسهیلات پرداختی جهت ایجاد و توسعه مشاغل خانگی	۴/۱	۰/۸۳۱
بسته‌بندی نامناسب	۴/۱	۰/۷۵۸
کمبود اعتبارات و عدم تخصیص به‌موقع	۴/۰۳	۰/۸۳۸
عدم امنیت شغلی	۴/۰۳	۰/۸۸۱
بهره‌وری پایین واحدهای فعال در زمینه مشاغل خانگی	۴/۰۰	۰/۸۱۶
تنوع کم محصولات	۴/۰۰	۰/۷۲۰
مدیریت سنتی در واحدهای تولید مشاغل خانگی	۳/۹۶	۰/۸۸۱
قرارگرفتن مشاغل خانگی به‌عنوان شغل دوم و در حاشیه قرار گرفتن آن	۳/۹۶	۰/۸۸۱
عدم توجه مسئولین امر در خصوص ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای صادرات محصولات تولیدشده	۳/۹۶	۰/۸۸۱
بی‌ثباتی اقتصادی	۳/۹۲	۰/۸۹۹
پرداخت تسهیلات مشاغل خانگی به افراد فاقد شرایط	۳/۹۲	۰/۷۶۶
فقدان استاندارد مکان فعالیت واحدهای مشاغل خانگی	۳/۸۲	۰/۷۷۲
عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در جهت ارتقا مشاغل خانگی	۳/۶۷	۰/۷۷۲
مشکل در زمینه عدم پوشش بیمه‌ای	۳/۶	۰/۹۱۶
بهره بالای وام‌ها	۳/۶	۰/۸۷۵
قوانین بانکی دست‌وپاگیر در جهت پرداخت وام	۳/۵۷	۰/۸۷۸
نداشتن خودباوری و اعتمادبه‌نفس	۳/۵۷	۰/۶۳۴
نداشتن روحیه ریسک‌پذیری	۳/۵۷	۰/۸۳۵
قوانین نادرست در خصوص واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند	۳/۵۷	۰/۷۸۷

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

مرحله سوم فن دلفی

در مرحله سوم جهت رسیدن به اجماع در مورد چالش‌های به‌دست‌آمده، از کارشناسان خواسته‌شده تا موافقت یا مخالفت خود را با هرکدام از چالش‌ها بیان کنند. نتایج در جدول (۵) ارائه شده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]

[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

جدول (۵). موانع مشاغل خانگی از دیدگاه کارشناسان (n=۲۸)، مرحله اول

موانع مشاغل خانگی	درصد موافقت
درآمد پایین صاحبان مشاغل خانگی و نداشتن ثبات و پایداری	۱۰۰
عدم تضمین فروش کالا	۱۰۰
میزان تولیدات خانگی محدود	۱۰۰
عدم توان رقابت محصولات خانگی با صنایع بزرگ	۱۰۰
عدم دسترسی روستای محل فعالیت به بازار های شهری	۱۰۰
کمبود نیروی ماهر و مجرب و متخصص صاحبان مشاغل خانگی	۱۰۰
نبود منابع مالی	۱۰۰
بی‌توجهی به ارزش‌گذاری اقتصادی مشاغل خانگی	۱۰۰
عدم مشارکت اهالی محلی جهت توسعه و ارتقا مشاغل خانگی	۱۰۰
عدم انسجام برون‌سازمانی	۹۴,۱
فقر ساکنان و وابستگی معیشت مردم به کشاورزی	۸۸,۲
کمبود آمار و اطلاعات دقیق در رابطه با تعداد و نوع و شاغلین در بخش مشاغل خانگی	۸۸,۲
تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امور مشاغل خانگی	۸۸,۲
عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب در زمینه آموزش اهالی در جهت مشاغل خانگی	۸۸,۲
سیاست موجود در قبال بخش خصوصی	۸۸,۲
تغییرات متعدد در نظام مدیریتی مشاغل خانگی	۸۲,۴
قوانین مالیات در قبال مشاغل خانگی	۸۲,۴
نبود تعاونی های قدرتمند جهت عرضه کالاهای تولیدشده جهت فروش	۸۲,۴
نداشتن انگیزه کافی	۸۲,۴
نداشتن خلاقیت و نوآوری اهالی روستا در تولیدات محصولات	۸۲,۴
عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت ارتقا سطح کارآفرینی و نوآوری و خلاقیت	۷۶,۵
درخواست ضامن برای ارائه تسهیلات و اعتبارات از سمت بانک‌ها و موسسه‌های عامل	۷۶,۵
ناکافی بودن تسهیلات پرداختی جهت ایجاد و توسعه مشاغل خانگی	۷۶,۵
بسته‌بندی نامناسب	۷۶,۵
کمبود اعتبارات و عدم تخصیص به‌موقع	۷۶,۵
عدم امنیت شغلی	۷۶,۵
بهره‌وری پایین واحدهای فعال در زمینه مشاغل خانگی	۷۶,۵
تنوع کم محصولات	۷۶,۵
مدیریت سنتی در واحدهای تولید مشاغل خانگی	۷۶,۵
قرارگرفتن مشاغل خانگی به‌عنوان شغل دوم و در حاشیه قرار گرفتن آن	۷۶,۵
عدم توجه مسئولین امر در خصوص ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای صادرات محصولات تولیدشده	۷۶,۵
بی‌ثباتی اقتصادی	۷۶,۵

پرداخت تسهیلات مشاغل خانگی به افراد فاقد شرایط	۷۶,۵
فقدان استاندارد مکان فعالیت واحدهای مشاغل خانگی	۷۲,۴
عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در جهت ارتقا مشاغل خانگی	۷۲,۴
مشکل در زمینه عدم پوشش بیمه‌ای	۷۲,۴
بهره بالای وام‌ها	۷۲,۴
قوانین بانکی دست‌وپا گیر در جهت پرداخت وام	۷۲,۴
نداشتن خودباوری و اعتمادبه‌نفس	۷۲,۴
نداشتن روحیه ریسک‌پذیری	۷۲,۴
قوانین نادرست در خصوص واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند	۷۲,۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

همان‌طور که در جدول (۵) نشان می‌دهد، اولویت‌های به‌دست‌آمده در مرحله سوم نیز تقریباً به همان ترتیب مرحله دوم بوده، لذا احتیاجی به تکرار فرایند تحقیق نیست، چون می‌توان گفت که در مورد چالش‌های استخراج‌شده اتفاق‌نظر وجود دارد و به‌عبارت‌دیگر اجماع کلی به‌دست‌آمده است. به‌این‌ترتیب چالش‌های موجود مشاغل خانگی از دیدگاه کارشناسان و متخصصان این زمینه تعیین شد.

فاز کمی

آمار توصیفی فاز کمی

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود ۱۷/۵ درصد کارشناسی، ۳۵ درصد دیپلم و ۴۷/۵ درصد زیر دیپلم بودند. میانگین سن پاسخگویان تقریباً ۴۱/۵(انحراف معیار ۷/۵۴) سال بود که جوان‌ترین آن‌ها ۲۲ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۶۳ سال سن داشت. ۵۸ درصد از آنان مرد و ۴۲ درصد زن بودند.

جدول (۶). درصد و فراوانی متغیرهای توصیفی

تحصیلات			جنسیت		
	درصد	فراوانی		درصد	فراوانی
زیر دیپلم	۴۷/۵	۱۳۰	مرد	۵۸	۱۵۸
دیپلم	۳۵	۹۸	زن	۴۲	۱۱۸
کارشناسی	۱۷/۵	۴۸	سن	سابقه	
کل	۱۰۰	۲۷۶	حداقل	۲۲	۴
آمار توصیفی			حداکثر	۶۳	۳۱

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

در فاز کمی تحقیق به‌منظور پی بردن به متغیرهای زیر بنایی یا تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها از روش تحلیل عاملی استفاده گردید. البته برای شایستگی لازم از استفاده این روش از آزمون بارتلت و شاخص KMO استفاده گردید.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

دامنه آن بین صفر و یک است و هرچه مقدار آن به عدد یک نزدیک باشد گویای مناسب بودن داده‌های موردنظر می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۷) زیر آمده است.

جدول (۷). مقدار KMO و آزمون بارتلت

نام آزمون	KMO	بارتلت	سطح معناداری
مقدار	۰/۷۵۴	۱۳۸۶/۱۳	۰/۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

پس از اطمینان از مناسب بودن و انجام تحلیل عاملی، از چرخش واریماکس برای دست‌یابی به عامل‌های معنی دارد استفاده شد. این عوامل مجموعاً ۷۸/۷۳ درصد واریانس مربوط را تبیین می‌نماید جدول (۸).

جدول (۸). عوامل اصلی تحقیق، مقدار ویژه و درصد واریانس هرکدام و درصد تجمعی

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
مدیریتی و ساختاری	۶/۱۷۵	۱۹/۰۹	۱۹/۰۹
مالی و اقتصادی	۳/۷۲۵	۱۸/۱۳	۳۷/۲
سیاست‌گذاری	۳/۱۱	۱۶/۲۲	۵۳/۴۴
پژوهش و اطلاع‌رسانی	۲/۸۷۵	۱۳/۱۱	۶۶/۵۵
عوامل فردی- شخصیتی	۲/۳۱	۱۲/۱۸	۷۸/۷۳

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

وضعیت بارگذاری عامل‌ها پی از چرخش بر مبنای قرار گرفتن متغیرها با بار عاملی بزرگ‌تر از ۰/۵ در جدول (۹) آمده است.

جدول (۹). عوامل اصلی تحقیق و متغیرهای مربوط به آن و بار عاملی آن‌ها

معیار	موانع	بار عاملی
ساختاری و مدیریتی	عدم دسترسی روستای محل فعالیت به بازار های شهری	۰/۸۳۰
	عدم تضمین فروش کالا	۰/۷۵۱
	تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امور مشاغل خانگی	۰/۷۲۵
	تغییرات متعدد در نظام مدیریتی مشاغل خانگی	۰/۷۱۵
	قرارگرفتن مشاغل خانگی به‌عنوان شغل دوم و در حاشیه قرار گرفتن آن	۰/۶۶۶
	بسته‌بندی نامناسب	۰/۶۵۸
	تنوع کم محصولات	۰/۶۴۸
	مدیریت سنتی در واحدهای تولید مشاغل خانگی	۰/۶۵۱
	میزان تولیدات خانگی محدود	۰/۶۰۲
	عدم انسجام برون‌سازمانی	۰/۵۹۴
	پرداخت تسهیلات مشاغل خانگی به افراد فاقد شرایط	۰/۵۷۸

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

	عدم توان رقابت محصولات خانگی با صنایع بزرگ	۰/۵۶۶
	عدم توجه مسئولین امر در خصوص ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای صادرات محصولات تولیدشده	۰/۵۴۵
	فقدان استاندارد مکان فعالیت واحدهای مشاغل خانگی	۰/۵۱۲
	مشکل در زمینه عدم پوشش بیمه‌ای	۰/۵۰۹
		۰/۵۰۱
سیاست‌گذاری	قوانین بانکی دست‌وپا گیر در جهت پرداخت وام	۰/۸۲۸
	قوانین مالیات در قبال مشاغل خانگی	۰/۷۵۴
	عدم امنیت شغلی	۰/۷۲۱
	سیاست موجود در قبال بخش خصوصی	۰/۷۰۱
	قوانین نادرست در خصوص واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند	۰/۶۵۵
	عدم تضمین فروش کالا	۰/۶۲۴
	عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در جهت ارتقا مشاغل خانگی	۰/۶۱۲
	بی‌توجهی به ارزش‌گذاری اقتصادی مشاغل خانگی	۰/۵۹۹
	بهره‌وری پایین واحدهای فعال در زمینه مشاغل خانگی	۰/۵۴۵
	نبود تعاونی های قدرتمند جهت عرضه کالاهای تولیدشده جهت فروش	۰/۵۱۴
عوامل مالی و اقتصادی	درآمد پایین صاحبان مشاغل خانگی و نداشتن ثبات و پایداری	۰/۷۴۵
	نبود منابع مالی	۰/۷۱۳
	بی‌ثباتی اقتصادی	۰/۷۰۰
	بهره بالای وام‌ها	۰/۶۷۵
	درخواست ضامن برای ارائه تسهیلات و اعتبارات از سمت بانک‌ها و موسسه‌های عامل	۰/۶۱۵
	فقر ساکنان و وابستگی معیشت مردم به کشاورزی	۰/۶۰۱
	کمبود اعتبارات و عدم تخصیص به‌موقع	۰/۵۷۸
	ناکافی بودن تسهیلات پرداختی جهت ایجاد و توسعه مشاغل خانگی	۰/۵۴۱
فردی- شخصیتی	نداشتن روحیه ریسک‌پذیری	۰/۸۴۷
	نداشتن خودباوری و اعتمادبه‌نفس	۰/۷۴۵
	نداشتن انگیزه کافی	۰/۷۱۴
	عدم مشارکت اهالی محلی جهت توسعه و ارتقا مشاغل خانگی	۰/۵۴
پژوهش و اطلاع‌رسانی	عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب در زمینه آموزش اهالی در جهت مشاغل خانگی	۰/۸۴۵
	کمبود نیروی ماهر و مجرب و متخصص صاحبان مشاغل خانگی	۰/۷۱۴
	نداشتن خلاقیت و نوآوری اهالی روستا در تولیدات محصولات	۰/۶۵۴
	عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت ارتقا سطح کارآفرینی و نوآوری و خلاقیت	۰/۶۱۲
	کمبود آمار و اطلاعات دقیق در رابطه با تعداد و نوع و شاغلین در بخش مشاغل خانگی	۰/۵۱۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

بحث و نتیجه‌گیری پیرامون شناسایی چالش‌ها و موانع موجود فراروی مشاغل خانگی (کاربرد فن دلفی)

به‌منظور شناسایی موانع فراروی توسعه مشاغل خانگی از نظر متخصصان و کارشناسان منابع طبیعی در قالب تکنیک دلفی طی سه مرحله و تحلیل عامل تأییدی استفاده گردید. نتایج پایانی نشان دادند که موانع موجود

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

فراروی توسعه مشاغل خانگی نواحی روستایی شهرستان‌های استان عوامل ساختاری و مدیریتی، سیاست‌گذاری، عوامل مالی و اقتصادی، فردی –شخصیتی، پژوهش و اطلاع‌رسانی است. در ادامه هر یک از چالش‌ها ارائه شده است.

چالش‌های مدیریتی و ساختاری

چالش‌های مدیریتی و ساختاری به‌تنهایی ۱۹/۰۹ درصد از تغییرات واریانس کل را تبیین می‌کند و در اولویت اول قرار دارد. متغیرهای این عامل عبارت‌اند از «عدم دسترسی روستای محل فعالیت به بازارهای شهری»، «عدم تضمین فروش کالا»، «تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امور مشاغل خانگی»، «تغییرات متعدد در نظام مدیریتی مشاغل خانگی»، «قرارگرفتن مشاغل خانگی به‌عنوان شغل دوم و در حاشیه قرار گرفتن آن»، «بسته‌بندی نامناسب»، «تنوع کم محصولات»، «مدیریت سنتی در واحدهای تولید مشاغل خانگی»، «میزان تولیدات خانگی محدود»، «عدم انسجام برون‌سازمانی»، «پرداخت تسهیلات مشاغل خانگی به افراد فاقد شرایط»، «عدم توان رقابت محصولات خانگی با صنایع بزرگ»، «عدم توجه مسئولین امر در خصوص ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای صادرات محصولات تولیدشده»، «فقدان استاندارد مکان فعالیت واحدهای مشاغل خانگی»، مشکل در زمینه عدم پوشش بیمه‌ای به‌عنوان چالش‌ها و موانع مدیریتی دسته‌بندی شدند. بر پایه چالش‌های مدیریتی و ساختاری می‌توان به این نتیجه رسید که علی‌رغم اقداماتی که در راستای هماهنگی یکپارچه و کلی‌نگر، حرکت از اتکا به بخش خصوصی به‌جای بخش دولتی انجام‌شده است، موانع زیادی در راه توسعه مشاغل خانگی نواحی روستایی می‌باشد و نتوانسته وضعیت مشاغل را سامان بخشد. در این راستا مطالعات غیاثوند (۱۳۸۸)، رود گر نژاد و کیاکجوری (۱۳۸۹)، شریف زاده و همکاران (۱۳۹۲) نیز حاکی از ضعف بخش مدیریتی به شمار می‌آیند. هفده تن (۱۹۹۳) در بررسی چالش‌ها و موانع مشاغل خانگی بیان می‌دارد که مشاغل خانگی یک رویکرد چالش‌برانگیز است، چراکه مستلزم هماهنگی بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی می‌باشد و مشارکت بخش خصوصی به دلیل بازده کم اقتصادی کم است. غیاثوند (۱۳۸۸) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که عدم رقابت در این بخش از چالش‌های مهمی است. همچنین بیان نمودند که این قابلیت رقابت باعث کاهش انگیزه در روستاییان می‌شود که این عدم انگیزه سبب پیامدهای زیان‌بار دیگری می‌شود.

طبقه سیاست‌گذاری

این عامل ۱۶/۲۲ درصد از تغییرات واریانس را تبیین می‌کند و متغیرهای آن عبارت‌اند از چالش‌های «قوانین بانکی دست‌وپا گیر در جهت پرداخت وام»، «قوانین مالیات در قبال مشاغل خانگی مشاغل خانگی»، «عدم امنیت شغلی»، «سیاست موجود در قبال بخش خصوصی»، «قوانین نادرست در خصوص واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند»، «عدم تضمین فروش کالا»، «عدم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در جهت ارتقا مشاغل خانگی»، «بی‌توجهی به ارزش‌گذاری اقتصادی مشاغل خانگی»، «بهره‌وری پایین واحدهای فعال در زمینه مشاغل خانگی»، «نبود تعاونی های قدرتمند جهت عرضه کالاهای تولیدشده جهت فروش» در طبقه سیاست‌گذاری قرار گرفتند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

در مجموع می‌توان گفت پس از گذشت نیم‌قرن هنوز مشکلات قوانین دست‌وپا گیر و سیاست‌های نادرست در قبال مشاغل خانگی حل‌نشده است. به‌طوری‌که همچنان صدور بخشنامه‌های نامناسب، اجرای بد قوانین و یا طولانی شدن فرایند اجرای قوانین، نبود برنامه مدون بالادستی و مشخص نبودن قانون توسعه مشاغل خانگی در نواحی روستایی را دچار مشکل نموده است. در واقع اگرچه سیاست‌هایی برای پرداختن به مشاغل خانگی تدوین‌شده، اما فقدان سیاست‌گذاری منسجم، برای رویکرد هماهنگ در بهره‌وری از مشاغل خانگی چالش‌ها و موانعی را ایجاد کرده است. در این زمینه مطالعات دادور راد (۱۳۷۹)، هفده تن (۱۳۸۹)، سعدی و حیدری (۱۳۹۲) نیز بیانگر آن است که عدم احساس امنیت حقوقی، عدم توجه مدیران به قوانین و پیاده نکردن قانون از عمده‌ترین چالش‌های این دسته می‌باشد. سعدی و حیدری (۱۳۹۲) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که موانع قانونی و سیاست‌گذاری نابجا به علت نبود یک چارچوب سیاسی جامع از سوی دولت، برای توسعه پایدار است. همچنین نشان دادند که به دلیل سیاست‌های متناقض، سردرگمی نقش‌ها، عدم علاقه به پیگیری قانون اجرای انتخابی یا گزینشی چالش‌هایی را بر سر راه مشاغل خانگی به وجود آورده است.

طبقه مالی و اقتصادی

این طبقه ۱۸/۱۳ از درصد واریانس کل را تبیین می‌کند و متغیرهای آن عبارت‌اند از چالش‌های «درآمد پایین صاحبان مشاغل خانگی و نداشتن ثبات و پایداری»، «نبود منابع مالی»، «بی‌ثباتی اقتصادی»، «بهره بالای وام‌ها»، «درخواست ضامن برای ارائه تسهیلات و اعتبارات از سمت بانک‌ها و موسسه‌های عامل»، «فقر ساکنان و وابستگی معیشت مردم به کشاورزی» بیانگر چالش‌های اقتصادی هستند. جوامع روستایی وابستگی شدید به کشاورزی دارند و جهت تأمین نیازهای خود بایستی به متکی به کشاورزی باشند. کشاورزی هم در فصل خاصی قابلیت بهره‌برداری است و به عبارتی شغلی فصلی است و بقیه سال را کشاورزان بیکار هستند؛ و این بیکاری مشکلاتی را برای جوامع روستایی از قبیل تأمین هزینه‌های زندگی به وجود می‌آورد. در نتیجه این ساختار بایست تغییر کرده و در الگوی تأمین معیشت روستایی بایستی تغییراتی ایجاد شود. ادواری (۱۳۸۹) نیز در مطالعات خود نشان داده‌اند که فقر و وابستگی معیشت جوامع روستایی به کشاورزی، عدم چاره‌اندیشی جهت ایجاد مشاغل جایگزین برای آنان و هم‌چنین بی‌توجهی به ارزش‌گذاری اقتصادی برای مشاغل خانگی از چالش‌های عمده مشاغل خانگی می‌باشد. کمبود اعتبارات نیز در مطالعات مامبولا (۲۰۰۲) همسو می‌باشد. اغلب مشاغل خانگی با کمبود منابع مالی مواجه هستند و از سوی دیگر ممکن است منابع مالی پیش‌بینی‌شده برای مشاغل خانگی صرف فعالیت‌های دیگر نظیر برنامه‌های زیر بنایی و ساختاری شود. این روند موجب جاماندن اجرای مشاغل خانگی و پروژه‌های مربوط در این زمینه می‌شود.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]

[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

طبقه فردی –شخصیتی

از چالش‌های قابل‌توجه در زمینه کسب‌وکارهای خانگی «نداشتن روحیه ریسک‌پذیری»، «نداشتن خودباوری و اعتمادبه‌نفس»، «نداشتن انگیزه کافی»، «عدم مشارکت اهالی محلی جهت توسعه و ارتقا مشاغل خانگی» می‌باشد که در طبقه موانع فردی – شخصیتی بروز پیدا می‌کند. این عامل ۱۲/۱۸ درصد از تغییرات را تبیین می‌کند. عوامل فردی و شخصیتی ضامن پایداری آن است و اهمیت آن در مشاغل خانگی دوچندان می‌باشد زیرا مسائل مربوط به مشاغل خانگی با زندگی جوامع روستایی درآمیخته است و توفیق هر نوع فعالیتی منوط به ویژگی‌های فردی و شخصیتی اهالی می‌باشد؛ بنابراین نقش مردم و ویژگی‌های فردی و شخصیتی آنان در توسعه مشاغل خانگی اهمیتی حیاتی دارد. نتایج پژوهش‌های سید امیری (۱۳۸۷)، پیشگاهی فرد و ام بینی (۱۳۸۹) نیز بیانگر آن بود که عوامل خانوادگی و نداشتن روحیه مشارکتی و عدم‌انگیزه به جهت میزان پایین درآمد موانعی جدی در مشاغل خانگی هستند.

طبقه پژوهش و اطلاع‌رسانی

این عامل ۱۳/۱۱ درصد از تغییرات واریانس را تبیین می‌کند. طبقه پژوهش و اطلاع‌رسانی از چالش‌های «عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی مناسب در زمینه آموزش اهالی در جهت مشاغل خانگی»، «کمبود نیروی ماهر و مجرب و متخصص صاحبان مشاغل خانگی»، «نداشتن خلاقیت و نوآوری اهالی روستا در تولیدات محصولات»، «عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت ارتقا سطح کارآفرینی و نوآوری و خلاقیت»، «کمبود آمار و اطلاعات دقیق در رابطه با تعداد و نوع و شاغلین در بخش مشاغل خانگی» تشکیل‌شده است. یکی از عوامل مهم در توسعه مشاغل خانگی این است که مشاغل خانگی بایستی منطبق با ساختارهای فرهنگی و آداب‌ورسوم محلی باشد و تحقیقات در اینکه در کدام منطقه و با توجه به شرایط منطقه مستعد چه شغلی و چه فعالیتی می‌باشد بر عهده طبقه پژوهش می‌باشد که در نتیجه منتج به اطلاع‌رسانی به جوامع روستایی می‌شود.

همچنین سطح پایین آگاهی مردم روستایی نسبت به انتخاب شغل و نوع فعالیت مرتبط با شرایط بومی منطقه به دلیل عدم ارائه آموزش‌های لازم نیز از دیگر چالش‌های عمده بر سر راه مشاغل خانگی می‌باشد.

از سوی دیگر نبود پلی بین تبادل اطلاعات و یافته‌های پژوهش‌ها با ترویج و آموزش بهره‌برداران می‌باشد که با توجه به اهمیت مشارکت و ارتباط بین این کنشگران هنوز در کشور ما برای انسجام بخشیدن به انتقال‌یافته‌های تحقیقاتی و تبادل اطلاعات چاره‌ای اندیشیده نشده است.

این نتایج با یافته‌های آگهی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. این محقق در مطالعه خود نشان داده است که ارتباط ضعیف بین مسئولان و جوامع محلی، عدم آگاهی یا آموزش ناکافی و کمبود اطلاعات از جمله چالش‌های پیش روی مشاغل خانگی می‌باشد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]

[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]

منابع

آگهی، حسین؛ میرک زاده، علی؛ تقی بیگی، معصومه؛ (۱۳۹۱). **اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی**، فصلنامه زن و جامعه، ۳(۳): ۱۸۱-۲۰۱.

ایزدی، بنت‌الهدی؛ رضایی مقدم، کورش؛ اسدالله پور، علی؛ (۱۳۹۵). **سازه‌های مؤثر و موانع تحقق توسعه کارآفرینی در مشاغل خانگی بخش کشاورزی در مناطق روستایی شیراز**، علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۲(۱): ۳۹-۵۱.

پیشگاهی فرد، زهرا؛ ام البنی، پولاب؛ (۱۳۸۹). **آینده‌پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه**، پژوهش زنان، (۳)۷: ۸۹-۹۷.

تقی بیگی، معصومه؛ آگهی، حسین؛ میرک‌زاده، علی‌اصغر؛ (۱۳۹۳). **بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب**، پژوهش‌های روستایی،۵(۲): ۲۸۳-۳۱۰.

رودگر نژاد، فروغ؛ کیاکجوری، کریم؛ (۱۳۸۹). **چالش‌ها و موانع توسعه کسب‌وکارهای خانگی**، اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی، تهران، ۱۳۵-۱۴۳.

سعدی، حشمت اله؛ حیدری، فریبا؛ (۱۳۹۲). **تعاونی های کسب‌وکار خانگی در استان همدان**، مجله توسعه کارآفرینی، ۶(۱): ۸۷-۱۰۴.

سید امیری، نادر؛ (۱۳۸۷). **بررسی و تعیین مؤثر در رشد و توسعه کسب‌وکارهای خانوادگی در استان تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران.

شریف‌زاده، ابوالقاسم؛ خواجه، علیرضا؛ عبدالله زاده، غلامحسین؛ (۱۳۹۳). **آسیب‌شناسی توسعه کسب‌وکارهای خانگی روستایی در استان گلستان**، پژوهش‌های روستایی ۵(۱): -۱۸.

غلامی، نادر؛ (۱۳۹۱). **بررسی عوامل مؤثر بر راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی و ارائه الگوی آن در شهر تهران**، ماهنامه کار و جامعه، ۱(۱۴۳): ۴-۱۸.

غیاثوند غیاثی، فرشته؛ حسینی، فرج‌الله؛ ملک محمدی، ایرج؛ (۱۳۸۸). **تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه اشتغال در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی ایران**، سومین کنگره علوم و ترویج آموزش کشاورزی.

فراهانی، حسین؛ الوندی، مینا؛ (۱۳۹۹). **تبیین چالش‌های کارآفرینی کسب‌وکارهای کوچک روستایی مطالعه موردی روستاهای شهرستان بیجار**. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۰ (۵۸): ۱۰۵-۱۱۹.

مؤمنی، منصور؛ فعالی قیومی، علی؛ (۱۳۹۱). **تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS**، چاپ هفتم، چاپ گنج شایگان.

نجفی، بهمن؛ صفا، لیلی؛ (۱۳۹۳). **بررسی کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه آن در مناطق روستایی**، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۲(۱): ۶۱-۷۳.

ورکیانی پور، نفیسه؛ حسینی، سید محمدرضا؛ سمیعی، روح‌الله؛ اشرفی، مجید؛ (۱۳۹۹). **مدل‌سازی کارآفرینی زنان شهری بر اساس زنجیره ارزش کارآفرینی با رویکرد توسعه پایدار اجتماعی در استان گلستان**. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۲۰ (۵۸): ۱۳۹-۱۶۱.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ (۱۳۹۸).

هفده تن، حسن؛ (۱۳۸۹). **آسیب‌شناسی فضای کارآفرینی در جمهوری اسلامی ایران**، کار و جامعه، ۱۲۰(۱): ۱۲۱-۱۳۲.

یاری قلعه، فاطمه؛ (۱۳۹۰). **بررسی و اولویت‌بندی موانع راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی از دیدگاه زنان روستایی و کارشناسان (مطالعه موردی: شهرستان روانسر)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی.

Tambunan, T, 2008, **Trade liberalization effects on the development of small and medium-sized enterprises in Indonesia: A case study**. Asia Pacific Development Journal، 15(2): 35-45.

Habbershon, T. Pistrui, J. and McGrann, M. 2006, **Enterprising Families: Mindset and Methods for Wealth Acceleration in a Dynamic Marketplace**. Journal of Rural Studies.

AltenBurg, T. Meyer-Stamer, J. 1999, **How to promote clusters: policy experiences from Latin America**, World Development, 27(3): 1693-1714.

Mambula, Ch. 2002, **Perceptions of SME Growth Constraints in Nigeria**. Journal of Small Business Management. 1(1): 58–65.

Rayfield, J. andCroom, B. 2010, **Program needs of middle school agricultural education teachers: A Delphi Study, Journal of Agricultural Education**, 51(4): 131–141.

Roberts, N. 2004, **Public deliberation in an age of direct citizen participation. American Review of Public Administration**, 34(3): 315-353

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.149.2]
[DOI: 10.52547/jgs.24.72.251]